

چند سند تاریخی

از

## دوره زندیه و قاجاریه



پروژه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

از

محمدرضا نصیری

(دانشجوی دکتری تاریخ)



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

## نامه کریم خان زند

به

محمد درویش پاشا صدراعظم عثمانی ۱

### بسم الله تعالی

صحیفه منیقه محبت آغاز و نمیقه رشیکه مودت طراز که در این اوان سعادت اقران از جانب دوستی جوانب وزارت و شوکت و حشمت و اقبال پناه ، امارت و نصفت و عظمت و اجلال دستگاه فخامت و مجددت و نبالت انتباه ، شهادت و نجدت و بسالت اکتناه ، اسوه - الفخماء العظام ، نخبه الامناء الکرام ، اعتضاد السلطنة الباهره والسنيه ، اعتماد الدولة القاهرة البهیه ، رکن رکن اعظم سلطنت ، پایه متین افخم دولت و ابهت . مشیر مفخم دستور مکرم امیر معظم ناظم امور - البلاد بالرای صایب ، کافل مهام العباد بالفکر الثاقب ، نظاماً للوزارة والحشمة والعظمة والاقبال محمد درویش پاشا ادام الله تعالی اقباله وزیر اعظم دولت قوی شوکت علیه عالیه عثمانیه نگاشته قلم مودت شیم گشته بود بصحابت عمدتی الاقران سلیمان بیك و آقاعلی تاتاران سمت وصول ارزانی و از مضمون بلاغت مقرون موالفت مشحون آن که مشعر بر اظهار مراتب صفوت منشی و مبنی بر تذکار مراسم صداقت روشی بود اطلاع کامل حاصل گردید .

اشعاری که در تلوان بخصوص کیفیت اغتشاش امور سرحدات و استخبار حقیقت بران نهج زبان زد خامه مودت ختامه شده بود چگونگی آن بنحو ایست که قبل از این بموجب نامجات مصادقت بینات ، و مراسلات دوستی آیات ، در باب گذارش امور و سوء سلوک سرحداتاران روم و وقایع حالات آن مرز و بوم مفصلاً و مشروحاً مرقوم که دو طرف را

۱- آرشیو نخست وزیر ترکیه - خط همایون - شماره ۳۷۲۳۳ .

را بمصحوب سفارت و مناعت نشان قدوة الاماجد والافاخم محمد وهبی افندی از راه دارالسلام بغداد و دو طغرا بصحابت عالیشان معلى مكان زبدة الافاخم عبدالله بيك قديمى ، يساول بطريق ايلغار و رسم استعجال از راه ارزنة الروم ارسال كه الى حال مشاراليهما شرفياب بزم حضور گرديده، آن عاليجاه رفيع جايگاه شوكت و اقبال پناه ازكمهه حالات استحضار و اطلاع بهم رسانيده مضامين نامجات و مراسلات رامعروض واقفان حضور مينو دستور بندگان اعليحضرت فلك رفعت ظل اللهى شيدالله تعالى ارکان دولته و اجلاله داشته خواهند بود . و نظر برويه دولتخواهى آنچه صلاح دولت جاويد مدت قوى شوكت عليه عالية متعاليه عثمانيه و آسایش حال مسلمين را در آن دانند از آن قرار معمول و مرتب خواهند داشت . و چنانچه عاليجاه عمر پاشا والى بغداد يا ديگرى در مقام اعتذار برآمده بعرض عاكفان سده سنیه اعلى بى تقصيرى خود را خواسته باشند پذيراي عرضه ظهور سازند خلاف محض است .

از جمله افساد عمر پاشا اينكه جماعه خوارج مسقطى كه از قديم الايام مطيع و فرمان بردار صاحبان اختيار ايران بوده اند ، بتحريك مشاراليه در مقام عصيان برآمده ، با ایشان هم داستان كه بالفعل سنكارات و سفاین جماعت مذكوره باجمعيت تمام در روى دريا باهالى بنادر ايران در جدال و نزاع و حرب مشغولند كه تاتاران سرکار وسعت مدار كه درين وقت وارد شدند ، بر حقيقت دعوا و نزاع آنها حسب الواقع مطلع و مستحضر گرديدند .

درين وقت كه تاتاران مذكوره معاودت بصوب حضور موالفت دستور مى نمودند بتحرير نميقة الواد پرداخت . باقى ايام دولت و عزت و سعادت و كامرانی بردوام باد

تاریخ ندارد

مهر: در پشت نامه

کتابخانه مدرسه لیسلیام

میزبانیت اندرینده شریف است که در این کتاب است از آن بیاید و بی تو با این جهت هر که در شرف است با این امارت از شرف حضرت است و از آن بیاید و بی تو با این جهت

و بخت بد است که ما را بر سر خود تمام کرده اند و ما را در راه خود راه داده اند و ما را در راه خود راه داده اند و ما را در راه خود راه داده اند و ما را در راه خود راه داده اند

کافی تمام بود که در این کتاب است از آن بیاید و بی تو با این جهت هر که در شرف است با این امارت از شرف حضرت است و از آن بیاید و بی تو با این جهت

تا در این کتاب است از آن بیاید و بی تو با این جهت هر که در شرف است با این امارت از شرف حضرت است و از آن بیاید و بی تو با این جهت

و در این کتاب است از آن بیاید و بی تو با این جهت هر که در شرف است با این امارت از شرف حضرت است و از آن بیاید و بی تو با این جهت



=۲=

## نامه کریم خان

به

مصطفی پاشا والی بغداد<sup>۱</sup>

هو

بسم الله تعالی

پیوسته مقالید دارالسلام وزارت و دولت و اقبال و مفاتیح حصول المرام سعادت و مناعت و اجلال در ید اقتدار، و قبضه اختیار، ساری بوده، کشور شوکت و ابهت و کامکاری از تطرق جنود حوادث مصون و مملکت مجددت و نصفت و یختیاری از تطاول عساكر فتن محروس و مأمون باد .

بعد از گلدسته بندی بهارستان مصادقت و حسن مصافات و پس از طی وادی اظهار خلت و صدق موالات، لوحه نگار صفحه صفحه مدعا میگردد که ، مراسله مودت طراز و مکاتبه صداقت آغاز که، در این ایام مسرت نظام در جواب مراسله این مستعین به عنایت ملك علام قلمی و بصحابت عالشان سیادت نشان عمده الاماثل والاقران سید علی آقای سلام آغاسی که بموافقت عالیشان ابراهیم آقای مگری مأمور باین ولا نموده بودند در اسعد اوان و ایمن زمان عز ورود و وصول یافته مضامین دوستی آیین آن و ملفوفه مهوره مرسوله ، من اوله الی آخره معلوم گردید .

۱- اصل نامه بشماره A-DVN-DVE 20 در آرشیو نخست وزیر ترکیه ضبط است .

شرحیکه بخصوص قبول و تعهد مطالب خمس مرقومه که بملاحظه استحکام بنیان مصالحه قدیمه قویمه از طرف قرین الشرف پادشاه ذیجاء اسلام پناه ظل الله ، و عالیجاه وزیر مکرم و دستور معظم مفخم آن عالیجاه دوستی آگاه ، مأمور بانجام آنها گردیده ، لیکن (؟) هر یک از مطالب مزبوره را در ملفوفه ممهوره به آن روش قلمی و ارسال داشته در طی تحریر زبان زد خامه اظهار شده بود ، که بعد از آنکه قشون های مأمور بسمت بصره و کرمانشاهان برداشته شود آن عالیجاه مودت آگاه حسب اعلام این نیازمند درگاه اله بانجام آنها خواهد پرداخت فرستاده آن عالیجاه صفوت آگاه در هنگامی رسید و مراسله را رسانید که به چند روز خاصه قبل از آن غازیان مأمور سمت بصره بدون اینکه قتل و غارتی در آن ولایت صورت وقوع بهم رساند داخل بصره گردیده بودند .

نظر باینکه مکنون خاطر خلت مظاهر این مستعین بعنایت رب معین تشیید مبانی دوستی و مصالحه قدیمه بوده و میباشد و سابقه صداقت آن عالیجاه مجدد آگاه نیز در نظر هست ، در این وقت که آن عالیجاه باین طریق خواهشمند این مطلب گشته و در مقام اظهار مراسله بوده حسب الخواش آن عالیجاه کس معین و امر کردیم که عالیجاه رفیع جایگاه شوکت و جلالت دستگاه امیرالامراءالعظام **نظر علیخان زند** جارچی باشی سپاه نصرت پناه غازیان ، مأموره سمت کرمانشاهان از آنصوب حرکت و مرحله پیمای وادی مراجعت گردند .



البته بنحویکه مرقوم شده عازم صوب مراجعت خواهد شد نهایت در خصوص مقدرات بصره چون در این اوقات چنین اتفاق افتاده و غازیان مأموره آنجا را محل نزول ساخته‌اند تا چندی در ولایت توقف خواهند داشت تا آنکه بعون الله تعالی مقدمات تسخیر عمان و مسقط که مکنون ضمیر مودت تخمیر و از جمله مطالب خمسسه است صورت حصول پذیرفته و عالیجاه نیز مطالب خمسسه مذکوره را بنحویکه از جانب خیریت جوانب امنای دولت علیه عالیه عثمانیه مأمور بانجام آنها گشته و خود هم محصل ملفوفه ممهوره را قبول و تعهد نموده است صورت انجام داده از قوه بالفعل آوردند . آن وقت غازیان مأموره آنجا را نیز احضار خواهم نمود .

درین وقت که عالیشان سید علی آقا فرستاده آن عالیجاه رخصت انصراف حاصل نموده ، عازم صوب مراجعت بود ، بنوشتن این مراسله مبادرت نمود طریقه انیقه دوستی و وداد مقتضی و مستلزم آن است که همیشه ابواب‌خلت را بنگارش حالات خیریت علامات و اعلام مهمات گشاده و مفتوح میداشته باشد .

الباقی ایام دوستی فرجام حسب المرام مستدام و بکام بساد .  
بررب العباد .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مرکز ملی تحقیقات اسلامی

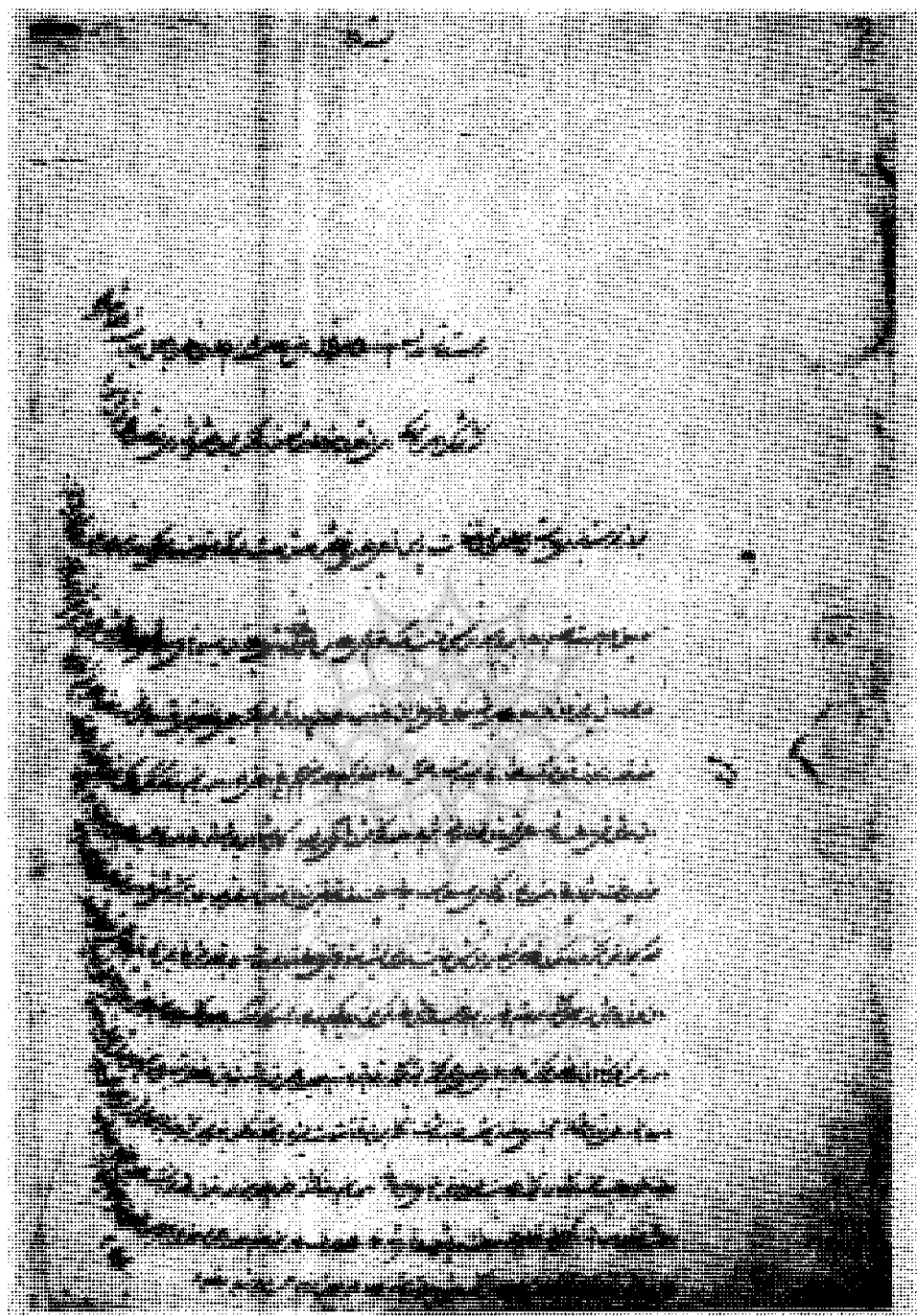
پشت نامه :

یا حفیظ تعالی شأنه الله اعلی .

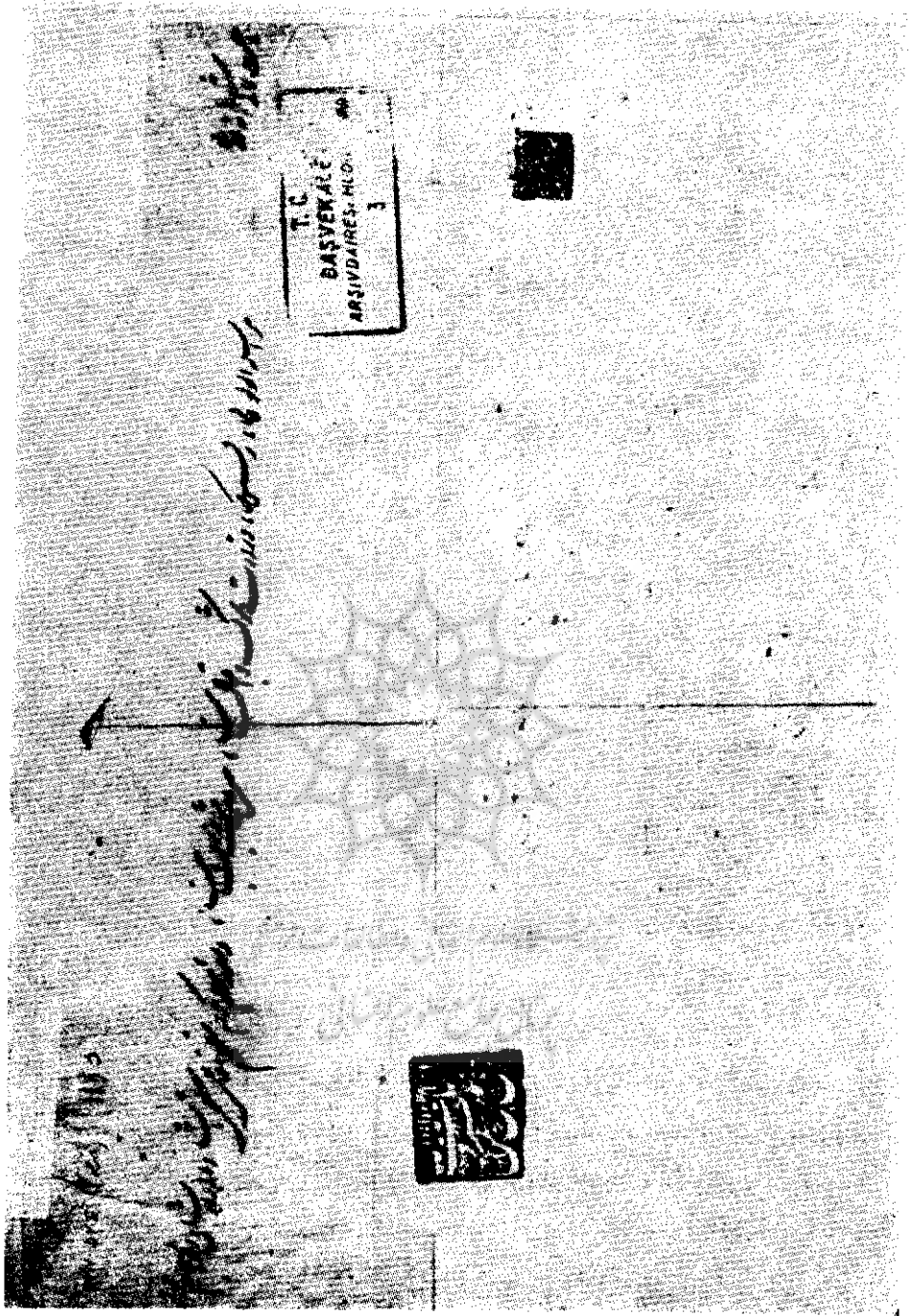
مراسله الوداد عالیجاه رفیع جایگاه وزارت و شوکت و اقبال پناه ، حشمت و شہامت و نبالت انتباه ، دستور معظم مکرم مفخم ، حاجی مصطفی پاشا والی والاشان دارالسلام بغداد .

سجع مهر : هوثامن

تاریخ ۱۱۹۰



سند شماره ۲



پشت سند شماره ۲

## نامه احمد خان حاکم خوی

به

سلطان عبدالحمید عثمانی<sup>۱</sup>

عرضه داشت کمترین بندگان دولتخواه ،

بموقف عرض اقدس باریافتگان محفل خلد مشاگل ، و قرب پذیرفتگان بزم مینو شمایل ، بندگان سلیمان مکان ، سکندرشان خلافت نشان ، گیتی ستان ، خاقان زمان و قآن دوران ، مدالله تعالی ایام دولته مادام اللیالی والایام و لازال ظلال رافته مظلة افرق فرق الانام میرساند که :

توقیع رفیع همایون لازم الاتباع ، و منشور لامع النور آفتاب شعاع مطاعی که ، بحکم فیضان عواطف علیه پادشاهانه ، و افاضه عوارف بهیه شاه منشانه ، از مصدر عنایات و اشفاق شامل الافاق خاطر ملکوت مناظر آفتاب اشراق والاشراف صدور و اشتقاق پذیرفته ، نامزد کمترین نیکان عقیدت اخلاق گردیده بود ، در هنگامیکه نسیم اقبال از مهیب مطلب روایی و نصح آمال در تبسم و لب امیدواری از ظهور طلّیعه حصول بمثابه غنچه زار در تبسم میبود ، کالواردات الغیبه ، شعشعه آرای ساحت ورود و بمراسم تعظیم و تفخیم مبادرت و تقدیم نموده ، تمیمه بازوی اقبال و امیدواری نمود .

۱- آرشیو نخست وزیری ترکیه ، خط همایون - شماره A / ۹۴

از آنجائیکه اراده بیچون حضرت مسبب الاسباب عزاسمه نفس قدسی منشأ و ذات علوی آشیان شاهانه را بحلیه قدافلح من زکیما متجلی گردانیده ، هرآینه جوامع همم باهره برنظم امورخلاق که ذریعه حضرت خالق میباشند، موقوف خواهد بود و لذلک المراتب درین اوقات مقرون بخیر و برکات که حقیقت نیت فاسده اراکلی مفسدت آئین و عقاید کاسده کفره و مشرکین خذلهم الله در پیشگاه خاطر خطیروالاکه دائماً از مشکوة انوار غیبی مستضیی و مستنیرباد سمت ظهور یافته ، مجدداً کمترین بندگان را بعز خطاب مواعیظ و تنبیهات لازم الاتعاظ شرف انتباه و ایقاظ ارزانی که ، نظر بر اتحاد دین و اینکه کافل حمایه بیضه اسلام و عموم مسلمین میباشند ، استحصال اسباب حمایت و وقایت ممالک آذربایجان برذمت همت تاجدارانه واجب ، و بعد از آنکه ما بندگان دولتخواه را علم قطعی براین مراتب حاصل گردد ، البته غدر و حيله مشرکین لعین نگردیده ، چنانچه از کفره مخدوله مزبوره نسبت بممالک عدالت مسالک سلطانی و یا بولات آذربایجان علامت سوء قصدی ظاهر گردد ، بموجب او امر شریفه که سابقاً و لاحقاً شرف صدور یافته ، ما بندگان دولتخواه ، نظر بر تقاضای غیرت دین و بمضمون آیه ، وافی هدایه و لاتطع المشرکین ، به کفره مخدوله مایل درکین نگردیده ، باوزراء و امراء و صاحبان الویه و سران سپاه نصرت پناه ، ممالک قریبه الحدود سلطانی ، اتفاق ، و بحکم کریمه ، ان الله اشتری من المؤمنین انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة یقاتلون فی سبیل الله فتقتلون و تقتلون ، جواب ناصواب خدعه و فریب آن طایفه خذلان نصیب راحواله زبان تیغ و بذل مجهود بیدریغ بعمل آورده باشیم ، بر مراتب عقیدت و امیدواری بچندین مراتب افزوده ، طوطی زبان را بشکر گزاری این فیض عظمی ، و موهبت کبری شکرخا و نوبت کامرانی و مباهات باوج اعلی رسانید . فللا من ملیک وقف همته العالیه و صرف اجتهاداته البالغه فی نصره

حزب الله و تقویم الدین و بذل اجتهاداته التامه فی تأمین المسلمین لیستریح هذه الامة الشریفة من افراط الظلمة و الکفار و تورط شرور الاشرار و الله یوفقه و البنی یؤیده و روح القدس تلقیة.

هرچندانکه بندگان کمترین نیز، با عقول ناقصه خود بر کمال مکرواحتیال کفره مزبوره خبیر، و بهیچ وجه من الوجوه البته خدعه و تزویر نگر دیده، اعتمادی براظهار محبت و مصافات غرض آمیز آنها نمی نمود. احوالات تاتار قریم و نصاری قرال له را که در مقام استشهاد مزید تبصر و آگاهی اعلام فرموده بودند. کیفیت تزویر و تفریر کفره مذکوره مانند بیاض نهار مکشوف و روشن گردید . بعد ماهذاکه همای همایون فال عواطف علیه پادشاهانه سایه گستر سر ما بندگان عقیدت نشان میباشد استظهار و اعتضاد نویدات و تعهدات خدیوانه علاوه غیرت دینی و حمیت ملیه گردید .

علی حسب الاوامر الشریفة با عموم خوانین آذربایجان و وزراء و امراء و صاحبان الویه و سران سپاه ظفر دستگاه ممالک قریبه الحدود سلطانی، متفق الهمة و متحد الکلمه گردیده بحركات متبصرانه قیام ، و چنانچه از جماعت مخذوله کفره و جهأمن الوجوه سوء قصدی و حرکتی به ابضا و انحا ممالک سلطانی و ولایات آذربایجان سمت ظهور یابد، در شاهراه دین مبین و اوغور دولت جاوید مدت ابد رهین بمیامن دولت و اقبال مصون از زوال حضرت تاجدارى بمقابله و مقاتله اقدام نموده، بعون الله تعالی و حسن توفیقانه صرف نقدینه وسعت و بذل قسارای مکننت و نهمت خواهیم نمود.

استدعا از عواطف علیه و مراحم بیکران حضرت پادشاه اسلام پناه چنانکه سایه مراحم بیدریغ خسروانه را دریغ نفرموده، ساحت احوال ما بندگان دولتخواه را مطرح حسن انظار علیه فرموده باشد. امره الاشراف الاعلی مطاع نافذ فی الاقطاع و الارباع .

مهر در پشت نامه تاریخ ندارد .

Handwritten text in Persian script, likely a historical document or manuscript. The text is dense and covers most of the page, written in a cursive style. It appears to be a record or a letter, possibly related to administrative or military matters, given the context of the page number and the style of the script. The text is written in black ink on aged paper.

= ۴ =

## نامه احمدخان حاکم خوی

به

سلیمان پاشا والی جلدر ۱

چندانکه گل صبح و سنبل شام در چارچمن فصول اربعه خرم و خندان، و زلال انوار سرچشمه آفتاب تابان برسبزه زار سپهر اخضر غلطان است، گل‌های رنگین وزارت و اقبال‌بندگان جلیل‌القدر و الشأن، منیع‌الجود و الاحسان، عالیجاه رفیع و منیع جایگاه، دولت و عظمت و جلالت همراه، شہامت و فخامت و بسالت دستگاه، ابہت و نصفت و عدالت انتباه، رأفت و عطوفت و ملاطفت آگاه، مسند آرای وزارت عظمی، و وساده پیرای صدارت کبری، اعتمادالدولة العلیة العالیہ، واعتضاد السلطنة البہیة السلطانیة سلطانی ادام‌الله تعالی اقباله و اجلاله العالی، در بوستان عنایات و تفضلات چمن آرای حدیقه عالم امکان شکفته و خندان و ازسرد نفسی‌های دوران درامان بوده، زلال ذکرخیر و آوازہ احسان، ازچشمه سارالسنه و افواه جہانیان، بر گلشن روزگار روان، و پلبل خوش نوای طبایع بنی‌نوع انسان در شاخسار نیل و نہار، بتذکار محامد اطوار واحسان گویا، و رطب‌اللسان یاد.

بعد از اتحاف گلدسته دعوات و اقیات مخالفت آیات و اطراف سنبل بسته تسنیمات ذاکیات مصادقت علاماتی که در ریاض خاطر اخلاص زواہر نشو و نما یافته عطر افزای محفل عقیدت و اخلاص

۱- اصل نامه در آرشیو نخست‌وزیری ترکیه تحت شماره A / ۹۴ خط همایون ضبط است . قطع ۷۲/۵ × ۴۶/۴ .



ولخلخه ساي مشام مصادقت واختصاص تواند بود، بررأى ملك آراى عطوفت وملاطفت اقتضای عالی مرفوع ومشهود میدارد که از آنجائی که نفس قدسی منشانه و ذات علوی آشیان شاهانه از بدو فطرت بحلیه قدافلح من زکیما متحلی گردیده وجوامع همم باهره وسوانح آراء زاهره برعبودیت خالق وترفیه حال خلایق مصروف میباشد.

درین اوقات توقیع رفیع همایون مطاعیکه درباب تنبیه وایقاظ

ما مخلصان دولتخواه بشرف صدور مقرون و بصحابت ابراهیم بیك كاتب خزینه عالیجاه معلی جایگاه عمدۀ الوزراء، والی والاشان چلدر سمت ارسال یافته بود بانضمام التفتات نامۀ عطوفت طراز عالی شعشعه آرای ساحت ورود ومراسم تعظیم تقدیم نموده تمیمۀ بازوی اقبال و وشاح صدر آمال گردیده افتخار عظیم و مباحثات جسیم بحصول انجامید. امید که مآدام اللیل والساج والسماء ذات ابراج جناب باری عز اسمه آفتاب دولت و اقبال مصون از زوال حضرت تاجداری را برافق خلود ودوام جلوه گر بوده وسادۀ لازم السعاده وزارت و اقبال بفر وجود عالی مزین و پرزیور باد.

تنبیهات چندی که در خصوص عدم میل در کون بغدر و حيله كفرة مخذوله در ضمن مضامین التفتات آئین آن اندراج و احوالات تاتار قریم و قرال له را شاهد این معنی فرموده بودند باعث مزید تیقظ و آگاهی گردید.

بعد ما هذا که همای همایون فال عواطف علیه پادشاهانه سایه گستر سر ما بندگان دولتخواه گردیده استظهار و اعتضاد نویدات و تعهدات خدیوانه و توجه و التفتات آصفانه علاوه غیرت دینیه و علی حسب الاوامر الشریفه، ماعوم خوانین آذر بیجان اتفاق ورزیده چنانچه از جماعت مخذوله مذکوره نسبت به ممالک عدالت مسالك سلطانی و

ولایات آذربایجان سوء قصدی ظاهر گردد با وزراء و امراء و صاحبان الویه و سران سپاه ظفر دستگاه ممالک قریبه الحدود ممالک سلطانی متفق الهمة و متحد الکلمه گشته بعون و عنایت حضرت باری عزاسمه و بمیامن دولت ابد مدت جهاننداری خلدالله تعالی ملکه بمقابله و مقاتله پرداخته صرف نقدینه وسعت و مکنت خواهیم نمود.

و از عوارف بهیه سلطانی موازی یک قطعه ساعت مرصع و مبلغ هزار عدد جدید ربعیه و هزار عدد جدید نصفیه ازسکه حسنه شهریاری نامزد تطف و اعزاز کمترین بندگان دولتخواه گردیده بود به ایصال ابراهیم بیگ مرقوم و کمال افتخار و امتیاز حاصل گردید. امید که مادام الایام عمر و دولت جاوید مدت حضرت تاجداری پاینده و آفتاب سلطنت الی قیام الساعه تابنده باد.

در این اوقات که مرقوم از ایصال فرامین قدر آیین و تشریفات ملوکانه فراغت حاصل و در محل انصراف میبود بتحریر صحیفه الاخلاص میبادرت و خود را مذکور خاطر فیض مظاهر عالی ساخت. متمنی و آمل است که اغلب اوقات باظهار توجهات و التفات فائقه و رجوع مرجوعات و خدمات لایقه اخلص مخلصان قرین کمال مسرت و رهین غایت منت فرموده باشند. باقی کوکب مسعود صدارت و اقبال بی زوال باد.

کتابخانه مدرسه + شهر دهم

مهر در پشت نامه

سجع مهر . «الهی فابشرنی علی دین احمد»

Handwritten text in Urdu script, appearing to be a list or a collection of entries, possibly related to a library or a historical record. The text is arranged in several lines, with some lines starting with a large, decorative initial letter. The script is dense and somewhat faded, making it difficult to read accurately. The text is written in a cursive style characteristic of Urdu calligraphy.

= ⊙ =

## نامه احمد خان مراغه‌ای

به

صدر اعظم عثمانی<sup>۱</sup>

عرضه داشت کمترین بندگان . احمد مراغه

بشرف عرض مقربان دربار خلافت مدار و باریافتگان محفل  
ارم تمثال اقدس ارفع امجد اشرف اعلی میرساند که: در این اوان فیروزی  
نشان و زمان سعادت اقتران که توقیع رفیع قضا نشان شاهنشاهی و  
فرمان مبارک مطاع عالمیان مطیع قدر توامان اسلام پناهی، از فرط  
التفاتت بی پایان و وفور شفقت و مرحمت بیکران بندگان سکندر  
شان قیصر پاسبان خاقان غلام فریدون احتشام پادشاه اسلام پناه  
ادام اله اقباله که بافتخار و سرافرازی این غلام شرف صدور یافته، و  
بصحابت عالی شان سعادت ارکان ابراهیم بگت کاتب خزانه عالیجاه  
رفیع جایگاه، وزیر مکرم دستور معظم سلیمان پاشا والی چلدر عز  
وصول ارزانی، از اظهار شغف و مکرمت پادشاهانه وصول توقیع  
رفیع مشفقانه افتخار و سربلندی حاصل، ان شاء الله تعالی سایه  
مرحمت و ظل مکرمت شاهنشاهی اسلام پناهی در مفارق کافه اهل  
اسلام مستدام و بردوام باد برب العباد .

و در طی آن از آنچه که احوالات و گزارش حالات اغوا و افساد  
کفره گرجیه و روسیه و چگونگی مکر و حیل آن گروه مکروه و خدعه و

---

۱- اصل در آرشیو نخست وزیری ترکیه بشماره K/ ۹۴ خط همایون ضبط است.

فریب آن طایفه نابکار خذلان شعار با قاطبه اهالی اسلام و زمره ملت شریعت مطهره خیرالانام محمدی صلی الله علیه وآله واصحابه و بخصوص وساوس ابلیس ثانی **ارکلی خان گرجی** با اهالی ولایات آذربایجان مرقوم شده بود اظهار من الشمس معلوم و محقق است و دیگر محل شك و اشتباهی نمی باشد .

ازقراریکه حسب فرمان قضا جریان قدرتوامان امر و اشاره شده بود که به بندگان ذیشوکت و شأن عالیجاه رفیع جایگاه شوکت و جلالت دستگاه امیرالامراء العظام عمدة الخوانین الکرام مخدومی مطاعی **احمد خان** صاحب اختیار ممالک آذربایجان و بهر یک از حکام و خوانین داغستان و شروان و گنجه و قراباغ و ایروان فرامین مطاعه لازم الاطاعه بهمین مضمون شرف صدور یافته که از کید و مکر آن طایفه خذلان نشان و کفره گرجیه ضلالت ارکان غافل نبوده، در صیانت و محافظت این سرحد و ثغور اهتمام تمام و سعی مالا کلام مبذول دارند، انشاء الله تعالی این غلام هم بنحویکه امر و مقرر شده ، با بندگان جلیل الشان مخدومی معظم الیه و سایر حضرات در عالم مسلمانی و ملاحظه هم مذهبی بطریق مرافقت سلوک ، و بقدر یکم از اوامر علیه و از رفاقت و موافقت عالیجاه والا جایگاه مخدومی معزی الیه تخلف نخواهد ورزید .

از آنجا که واجب و ..... دانسته بعرض این مراتب جرأت و جسارت نموده باقی امره الاشراف الاقدس الارفع الامجد الاعلی مطاع .  
مهر پشت نامه . «عبده احمد»

عمره در  
عصره

بزرگواران و صاحبان کرامت که در این روزها در این شهرها

مستعدان در این روزها در این شهرها در این شهرها در این شهرها

عصره در این شهرها در این شهرها در این شهرها در این شهرها

عصره در این شهرها در این شهرها در این شهرها در این شهرها

عصره در این شهرها در این شهرها در این شهرها در این شهرها

عصره در این شهرها در این شهرها در این شهرها در این شهرها

عصره در این شهرها در این شهرها در این شهرها در این شهرها

عصره در این شهرها در این شهرها در این شهرها در این شهرها

## نامه میرزا عیسی قائم مقام

به

ابراهیم پاشا<sup>۱</sup>

گلدسته تحیاتی که جیب حوران جنان از عطر افشانی آن صد  
چمن، بوی دلاویز عبیربیز عاریت نماید، تحفه بزم دوستی نظم  
جناب وزارت و نبالت و بسالت مآب، صرامت و شهمات و مناعت نصاب،  
مجدت و نجدت و مکرمت انتساب، عزت و سعادت و معالی اکتساب،  
کافل مهام جمهور، ناظم مناظم امور، شمساً لفلک العز والاقبال،  
بدرأ لسماء السناء والاجلال، ذوالرأی الصایب والفکر الثاقب، صاحب  
المعالی والاقتدار، صاحب ذیل المجد والفخار، دوست خجسته نام با  
احترام، دام اجلاله الی یوم القیام، ساخته بر صفحه مودت و ولا  
مینگارد که :

مراسله محبت مواصله در زمانی که مرکز دایرة اقبال بعزم دفع  
اهل کفر و ضلال در خارج دار السلطنه تبریز، رایت جلال افراخته  
بود رسید، و از مؤده ورود میمنت آمود آن جناب بولایت ارزنة الروم  
و کیفیت آراستگی لشکر و وفور استقلال آن جناب بهجت بر بهجت  
افزود .

چون درینوقت از یک جانب رایت بصیرت آیت نواب اشرف  
ولی النعم، مالک رقاب امم، **نایب السلطنه العظمی**، خلیفة الخلافة  
الکبری دامت شوکته برای دفع کفار خذلان شعار شقه گشاست، و از

۱- آرشیو نخست وزیری ترکیه - خط همایون - شماره ۱۲۱ .

طرفی دیگر شعاع مهر سلطنت و فروغ بدر خلافت شاهزاد و الاتبار علی خان، باتوپخانه و زنبورکخانه آتشبار و پیاده و سوار و تدارک بی شمار نهضت پیرا، و اردوی قیامت شکوه پادشاهی نیز از عقب دو معسکر ظفر اثرمایه استظهار دو لشکر میباشد، لهذا انشاءالله تعالی از کوشش و کوشش بهادران دو دولت و مبارزان دوشوکت درین سال همایون فال، بالکلیه قلع و قمع ماده کفر و ضلال خواهد شد، و ضرب دست و قوت بازوی اسلام، معلوم و مشهود کفره لئام خواهد گردید.

لیکن چون اختلال امور اخسقه و بایزید و قارص زیاد از حد و نهایت است هرچه آن جناب زودتر بنظم امور آن حدود شتابند و تدارک کار را قبل از وقوع شورش و فساد بااستعجال دریابند، بصواب اقرب و برای مصلحت کار انطباق خواهد بود.

مترقب است که همواره حقایق حالات بهجت علامات را با هر گونه مهمات و مرجوعاتی که داشته باشند بمقام اعلام در آورند که در طی آن لوازم دوستی بعمل آید.

باقی ایام دوستی و مودت یکام باد.

پشت نامه

صحیفة الوداد جناب وزارت و شہامت و نبالت نصاب فخامت و مناعت و مکرمت انتساب مجدد و نجدت و معالی اکتساب دوست خجسته نام با عز و احتشام ابراهیم پاشا دام اجلاله

سنه ۱۲۲۵

مهر: عبده عیسی الحسین



Handwritten text in Arabic script, appearing to be a list or a series of entries, possibly related to a document or manuscript. The text is arranged in approximately 12 horizontal lines, each starting with a decorative flourish or initial letter. The script is dense and cursive, characteristic of traditional Arabic calligraphy. The lines are separated by thin horizontal lines, suggesting a structured list or a series of distinct entries. The overall appearance is that of a historical document or a manuscript page.

سند شماره ٦

## نامه قائم مقام

به

رئیس‌الکتاب دولت عثمانی<sup>۱</sup>

تا جهان را قرار و فلك را مدار است ، ذات حمیده صفات جناب  
مجدت و جلالت نصاب ، فخامت و مناعت انتساب ، نبالت و متانت مآب ،  
ناظم الامور بالرای الصائب ، كافل مهام الجمهور بالفكر الثاقب ،  
ذی‌المجد الاثیل والشرف النبیل مشیر مشتری نظیر ، دستور صایب  
تدبیر ، برادر محبت انتساب ، رئیس‌الکتاب ، دام اجلاله ، فلك عزت و  
جلالت را مدار باد بمنه وجوده .

بعد از شرح مراسم دعوات وافیات اجابت آیات ، مشهود رأی  
اصابت پیرای مؤالفت اقتضا میدارد که ، از قراریکه بارها مسموع  
افتاده ، سوای اموال مضبوطه تجار مال جمعی دیگر از اهالی ممالک  
دولت علیه ایران از حجاج و تجار و غیره ، در ممالک دولت سنیه عثمانی  
مانده ، که برخی را بعدوان از آنها گرفته‌اند و بعضی صاحبان آنها  
مرده ، بعلت عدم وصی و وکیل اوضبط شده و بعضی دیگر بطورهای  
مختلف از دست آنها بیرون رفته ، صاحبان آنها بعضی صغیر ، و برخی  
فقیرند که از آمدن بآن حدود بعلت بعد مسافت متعذر میباشند ، و  
موافق مصالحه و جهت جامعه اسلامی و مستلزمات دوستی و الفت  
دولتین علیتین همه اموال مزبوره باید مطالبه و استرداد شود .

---

۱- آرشیو نخست‌وزیری ترکیه - خط همایون شماره ۸۰ .

لهذا عالیجاه، رفیع جایگاه، عزت و سعادت همراه، زبده الاماجد والاعیان، آقا مصطفی وقایع نگار و معتمد سرکار اشرف والا از حضرت سپهر مرتبت نواب مستطاب ولی النعم علی المهم نایب السلطنه العلیه ابدالله تعالی ایام اقباله مأمور، وبعهدہ او مقرر داشته اند که همه آنهارا موافق دفتر و حساب که تسلیم او شده در هر جا که باشد مطالبه و بازیافت کند.

البته آن جناب نیز بملاحظه الفت و اتحاد دولتین ابد بنیاد، و رعایت حال مسلمین و عباد درین باب لازمه حمایت و رعایت به عالیجاه مشارالیه کرده تقویت های کلیه بعمل خواهند آورد. و تقریرات و افادات او در این مهم و غیره معتبر و معتمد خواهند دانست. و همواره بنگارش مراسلات دوستانه فاتح ابواب الفت و موالات باشند. ایام جلالت و مناعت مستدام باد. <sup>۲</sup>  
پشت نامه

جناب مجدت و جلالت نصاب، فخامت و مناعت انتساب نبالت و متانت مآب، ناظم الامور بالرأی الصائب، کافل مهام الجمهور بالفکر الثاقب ذی المجد الاثیل والشرف النبیل مشیر مشتری نظیر دستور صائب تدبیر برادر محبت انتساب رئیس الکتاب دام اجلاله العالی  
مهر:

تاریخ ندارد

۲- این نامه بعد از مصالحه ۱۲۳۸ ارسال شده است.



## نامه حاجی میرزا آقاسی به

ایران در استانبول

میرزا محمد خان مصلحت‌گذار<sup>۱</sup>

عالیجاها مجدت و عزت همراهها ، ارجمندا .

در این عالم خلقت شخص انسانی ، و این حیات و زندگانی ،  
و این چند روزۀ عمر دنیای دنی فانی ، فحمداله ثم حمداله که  
بچیزی از علایق و مال دنیا و این جهان علاقه نبسته و میل و  
دل‌بستگی نداشته و ندارم ، و ذخیره و اندوخته را طالب و راغب  
نبوده‌ام که جمع کرده فراهم آورم ، مگر چند جلد از کتب احادیث  
و اخبار و تفاسیر صافی و قاضی بیضاوی و غیر ذلک که در این  
مدت تحصیل کرده و اغلب اوقات را صرف مطالعه و ملاحظه آنها  
نموده‌ام . و در ایام حیات خود قرار داده‌ام که ، انشاءاله تعالی  
کتب مسطورہ را وقف اماکن مشرفه و مشاهد مقدسه نمایم .

و نظر باینکه عتبات عالیات عرش درجات علی ساکنها آلف  
التحیه والثنا ، پیوسته مجمع ارباب علم و دانش و مکمن اصحاب  
فضل و بینش است ، و همیشه علمای اعلام و فضلال ذوی‌العز و  
الاحترام کثراله امثالهم ، نشر فیوضات وافادات در آن مکان  
شریف می‌نمایند ، علی هذا کتب مزبوره را در مدرسه که انشاءاله  
الرحمن در آنجا خواهم ساخت وقف نموده ثواب آنها را بروزگار

---

۱- اصل نامه تحت شماره ۲۱۴۳ اداره خارجیہ در آرشیو نخست‌وزیری ترکیه  
ضبط است .

فرخنده آثار خجسته شعار ، دو سلطان عادل و باذل ، و دو پادشاه با فر و جاه اسلامیان پناه ، و آباء و اجداد امجاد ایشان البسمه الله حلل النور واسکنهم فی غرفات السرور ، بذل و هدیه کرده ام .

و چون بعضی اوقات و برخی از ازمه و ساعات صفحات عتبات عالیات عرش درجات خالی از آشوب و آفات نیست ، احتمال می رود که در وقوع آن حوادث و سوانح کتابهای مذکوره تلف شده مفقود و معدوم گردد یا در زیر دست و پای کسانی که قدر و قیمت آنها را نمیدانند به در برود و کسی قدر آنها را نداند ، باید آن ارجمند درین باب بخصوصه با جناب جلالت و نبالت نصاب ، فخامت و شہامت اکتساب ، دوست مکرم و مشفق معظم رشید پاشا ، این گفتگو و حرف را بمیان بیاورید ، و جناب جلالت مآب معزی الیه مراتب مزبوره را بر وجه احسن باعلی حضرت قدر قدرت قضا شوکت قوی مکننت ، سلطان البرین و خاقان البحرین خلداله ملکه و سلطانه ، عرضه دارند تا یرلیغ رفیع و توقیع منیع از منبع عز و اجلال شرف اصدار یابد که ، اگر وقتی احياناً اغتشاش و انقلابی در آن صفحات روی دهد کس نتواند بمدرسه که من در آنجا بجهت کتابخانه ساخته ام و این کتب در آنجا ضبط است دست بزند و این خیرات دائمی باشد . باقی والسلام .

پشت نامه

عالیجاه مجدت و عزت همراه ارجمندی محمدخان مصلحت گذار دولت علیه ایران مطالعه کند .

مهر و تاریخ ندارد .



## نامه میرزا احمدخان

به

کتابخانه مدرسه فیضیه قم

وزارت امور خارجه عثمانی<sup>۱</sup>

تقریر حاجی میرزا احمدخان مصلحت گزار دولت علیه ایران بنحویکه معلوم ابهت ملزوم مشیرانه جنابعالی است، در فقره سیم عهدنامه منعقدہ ارزنة الروم مقرر شده بود که، طرفین متعاهدین بر موجب همین معاهده حاضرہ سایر ادعای خودشان را در حق اراضی ترک کرده برای قطع کردن حدود بین الدولتین مطابق ماده سابقہ علی التعاقب از دو جانب تعیین مأمورین و مهندسین را تعهد مینمایند. بناء علیه از جانب خیریت جوانب اولیای دولتین علیتین اسلام باتفاق مأمورین دولتین فخیمتین و اسطتین ذواتی برای تحدید حدود مأمورین شدند و قرارداد دولتین فخیمتین و اسطتین هم برین بود که، مأمورین تحدید حدود غیر از کشیدن خط سرحد بر روی کاغذ نقشه و اظهار بدولت متبوعه خود دخل و تصرفی بهیچوجه ظاهراً و باطناً در ایل و عشایر و رعیت و املاک متصرف فیه آنروزه طرفین نکرده، بمصدق اسطاطسکو عمل نمایند.

معینہ المراتب ، جناب درویش پاشا، از جانب اولیای دولت عثمانی مأمور تحدید حدود شده بود ، مجرد ورود بسرحد بدون حضور مأمورین دول اربعه و پیش از شروع بامر تحدید حدود محال قطور راکه از جمله توابع ایالت خوئی و ملک صحیح و صریح بلانزاع متصرف فیه دولت علیه ایران است، بخلاف اسطاطسکو غضباً تصرف کرده و سنگی در آنجا نصب و در روی آن حک کرده است، سنور دولت آل عثمان

۱- آرشیو نخست وزیر ترکیه ، اداره خارجیہ شماره ۳۳۲۹ .



در ناحیه قطور سنه ۱۲۶۵، و بانواع تصرفات و مداخلات غصبانه در محال مزبور اقدام و اجتناسار نموده، از قبیل اقامت عسگر و توپ و تعیین قائم مقام و اجرای خانه شمار و سرشمار و کشیدن قرعه و گرفتن عسگر و اخذ مالیات دیوانی و بنای ابنیه مستحکمه از قبیل قلعه و قراول خانه و سر بازخانه و مریض خانه های متعدد مسجد و انبار و آسیا و غیر ذلک بالجمله بسی این قبیل تجاوزات خاکی و غیره از طرف گماشتگان دولت علیه عثمانی نسبت بممالک محروسه دولت علیه ایران در سرحدات واقع شده است.

ولیکن موافق دستور العمل و تعلیمات اولیای دولت علیه ایران چون مطالبه رفع غصبیت محال قطور جزء اعظم مأموریت این اخلاصمند است، چنانچه در اول ورود باسلامبول دوستدار همین مأموریت خود را نیز بجنابان سفرای دولتین فخیمتین واسطه مقیمین در سعادت مکتوباً اظهار و ایشان را بنا بر توسطی که دارند استحضار داده است. لہذا بتحریر این تقریر نامه رسمیہ پرداخته، رفع غصبیت محال قطور را که ملک صحیح و صریح بلا نزاع دولت علیه ایران است حقاً و رسماً از طرف بابعالی مطالبہ می نماید زیرا کہ این تصرف غصبانه بخلاف اسطاطسکو و نص صریح قرار نامه و حقوق قبایل پیش از شروع مأمورین دول اربعہ بامر تحدید حدود، از جانب مباشرین دولت علیه عثمانی ناشی شده است.

حالا اگر بعد از تحقیق مأمورین هم، رفع نشود دیگر چه جای تحدید حدود باقی خواهد ماند.

انشاء اللہ تعالی در عالم اتحاد دولتین علیتن از جانب بابعالی قراری در باب رفع غصبیت آنجا داده مخلص را سریعاً از قرارداد خود مستحضر خواهند فرمود.

حرره فی ۱۸ شہر صفر المظفر سنہ ۱۲۷۰

مہر



## نامه یکی از پناهندگان قاجار

به

صدر اعظم عثمانی<sup>۱</sup>

مکرم برادر اعطوفت گسترا

نوشته که از ایران از جهت ایلچی دولت بهیه روسیه رسیده، و بخدمت آن مکرم برادر مهربان فرستاده حسب الفرموده، بتفصیل دیدم و از مضامین آن من البدایة الی النهایة مطلع گردیدم. آنچه بعقل ناقص این ملتجی میرسد این است که، این نوشته را جوابی لازم است نوشتن و نزد ایلچی دولت بهیه روس فرستادن که، او بتاتار خود داده، بوزیرمختاریکه از جانب دولت روس در ایران است برسانند، و او بامنای دولت ایران برساند. اگر در این باب جوابی نوشته نشود، باعث معطلی کمال افندی خواهد بود. زیرا که بآن مشارالیه خواهند گفت «جواب این تمنیات امنای دولت علیه را نوشته ایم، و منتظر جوابیم». یا بهمین قسم باو نیز جوابی خواهند گفت، و این جوابها دردی را دوا نخواهد بود. و باین معاذیر بیجای بی پاهم، نمیتوان سکوت کرد، و جواب گرفت. اگر باین معاذیر امنای دولت علیه از تمنای خود چشم می پوشیدند، معلوم و ظاهر بود که ابواب معاذیر از هر جهت بجا و بیجا، موجه و ناموجه، گشاده است. مقصود امنای دولت جاوید عدت از این تمنا استخلاص ملک زادگان محبوس در اردبیل و آسایش ایشان بوده و هست، و گرنه

۱- آرشیو نخستوزیری ترکیه - خط همایون - شماره ۳۹.

این نوع معذرت اظهر من الشمس و ابین من الامس بود . اگر محمد شاه بنایش بریگانگیست با دولت علیه ، در استخلاص ملك زادگان محبوس که تمنای دولت جاوید عدت است ، حکم فرماید و راحت و آسایش ایشان را بخواهد تا یگانگی و محبت او با امنای این دولت ظاهر شود، و گرنه این محبتها بکار نمی آید که «ملك زادگانی که در باب عالیند اگر اراده امنای دولت علیه شود بیایند بایران بر سر خانواده خود ما عفو کردیم ایشانرا» اولاً ما ها کاری نکرده ئیم که مارا عفو کند و حال آنکه برماست عفو او از آنچه کرده است با این خانواده .

و ثانی چرا همچو تمنائی امنای دولت علیه خواهند کرد، ایران نباشد، روم باشد، رزاق حقیقی رزق مارا بآب و خاک ایران حواله نکرده است، تا زنده ئیم در ظل رأفت شاهنشاه جهان، الحمد لله باندك اراده چندین نفر از امثال ما را نگاه داری میکنند، باحسن و جمهی ادنای از رجال دولت علیه، منت خدایرا که از تصدق فرق مبارك شاهنشاهی نه بمحمد شاه احتیاجی مارا، نه بقرار او، کسیکه خود را در شمار چاکران و بندگان این آستان شمرده سرش بسلطنت ایران فرود نمی آید . تا چه رسد بکوچکی محمد شاه . ایران وهست و نیست ایران پیشکش محمد شاه ، سرساقی سلامت، دولت پیرمغان باقی، خداوند عالم، سایه آفتاب پایه خسرو گیتی ستان و خدیو دوران را، از سر این ملتجی آستان ، وسایر برادران و برادرزادگان که در زیر سایه دولت ابد مدت شاهانه بسر می برند کم نگرداند انشاء الله، و از سر جمیع اولاد خاقان مرحوم که همه چاکر این آستان فلك پاسبان

میدانند خود را ، اشهد بالله که غیر ازین نیست .  
 غرض این است ما که از همه چیز ایران گذشته‌ئیم ، لیکن شما  
 از فرمایش خود در باب استخلاص اسرای ما باین معاذیر مگذرید .  
 اگر محمدشاه وحشتی دارد از بودن ایشان بغیر حبس در ایران  
 به باب عالی بفرستد و از دولت علیه تمنا کند که بمحبس شریف  
 مکه بفرستند ایشان را ، باری این فقره برآن مکرم برادر مهربان  
 ظاهر است که اگر تمنای امنای دولت علیه را بجا نیاورند ،  
 عیوباتش در نظرها بچه مرتبه است وانگهی جزئی تمنائی . مختار  
 شمائید بر هرچه فرمائید .

زیاده برین جسارت نمی‌نمایم ، زیرا که شما را برآن بیچاره‌های  
 محبوس اسیر از خود مهربان تر دیده‌ام ، در استخلاص ایشان  
 انشاءالله امیدواری من همین است . امر کم مطاع <sup>۲</sup> .  
 مهر و تاریخ ندارد .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 پرتال جامع علوم انسانی

۲- این نامه ظاهراً از مرتضی قلیخان یا تیمور میرزا است و محبوسین اردبیل ،  
 جهانگیر میرزا و خسرو میرزا هستند که بصواب دید قائم مقام زندانی شده بودند .



سند شماره ۱۰